هفته‌نامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
منتشره شده در □□□□ □□□□ □□□□ □□□ (https://partosokhan.ir)

عبرتکده تاریخ

24 آبان, 1402 - 14:15 partosokhan

از نظر «تاریخ» خواصِ جامعه، گاه مانند دیوار لرزانی هستند که هیچگاه نباید به آنها بدون کمک ولایت، تکیه کرد. اینگونه خواص، عموماً در بزنگاه‌های حساسِ تاریخ، یا سکوت کرده‌اند، یا با جبهه باطل همراهی کرده‌اند!
[1]. تجربیات اقوام پیشین، به‌عنوان میراث گران‌بهایی برای اقوام آینده به دل «تاریخ» سپرده شده است. عوامل پیروزی‌ها و شکست‌ها و ناپایداری قدرت‌های زیادی، در دل او ثبت شده، به‌طوری که افراد آگاه، می‌توانند مسیر زندگی خود و اجتماع را در آینه تاریخ بینند و بدون نیاز به تجربه جدیدی، از تجارب دیگران استفاده کنند. در قرآن بخش مهمی از آیات، بیانگر تاریخ عبرت‌آموزِ پیشینیان است و با صراحت می‌گوید: لَقَد کانَ فی قَصَصِهِم عِبرَه لِاولِی الاَلباب؛ به‌راستی در سرگذشت آنها عبرتی برای صاحبان اندیشه می‌باشد. (یوسف: ۱۱۱) قرآن در مورد بعضی از بخش‌های تاریخی که عبرت‌آموزی بیشتری دارند، به اَحسَنُ القَصَص یاد کرده و می‌گوید، نَحنُ نَقُصُّ عَلَیکَ اَحسَنَ القَصَصِ بِما اَوحَینا اِلَیکَ هَذَا القُرآنَ؛ ما بهترین سرگذشت‌ها را به‌وسیله این قرآن که به تو وحی کردیم، برای تو شرح می‌دهیم. (یوسف: ۳)
[2]. امام علی (عَلَیهِ السَّلام) نیز در وصیت‌نامه خود به فرزندش امام حسن (عَلَیهِ‌السَّلام) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، به نکته مهمی درباره «تاریخ» اشاره کرده و می‌فرمایند: «مطالعه دقیقِ تاریخِ پیشینیان، عمر جاودان به انسان می‌بخشد و مانند این است که انسان از روز آغاز خلقت آدم (عَلَیهِ السَّلام) تا امروز، همراه همه اقوام و جمعیت‌ها بوده و نتیجه تجارب آنها را برای خود ذخیره کرده است و چه فرصت گران‌بهایی است که انسان با هزینه کم، متاعی بزرگ به دست آورد.» البته تاریخ، نقایصی هم دارد و این بر اثر اعمال‌نفوذ جباران پیشین در تحریف حقایق تاریخ به نفع خویشتن است که آینه تاریخ را در مواردی، تیره‌وتار ساخته‌اند و با تطمیع و تهدیدِ تاریخ‌نگاران، آنها را وادار به این کار کرده‌اند که نمونه بارز آن، بنی‌امیه و تاریخ ننگین آنهاست. ولی محققان آگاه، بادقت در حوادث تاریخی، غالباً می‌توانند حق را از باطل جدا سازند. ای‌کاش قدرتمندانِ امروز، تاریخ را مطالعه می‌کردند و سرنوشت آینده خود را در این آینه می‌دیدند و دست از ظلم و تبهکاری بر می‌داشتند.
[۳]. «تاریخ» سرشار از سرگذشت نمرودها و فرعون‌ها، عمّارها و میثم‌ها، طلحه‌ها و زبیرها، شمرها و ابن زیادها، سلیمان صرد خزاعی‌ها و... است. تاریخ سرشار از تکرار کربلاها و درس‌هاست، تکرار سقیفه‌ها، جنگ احزاب‌ها، انقلاب‌ها، درس‌های آگاهی و بصیرت، اقدام و عمل بهنگام، عبرت‌های تلخ‌وشیرین، شکست و پیروزی و... است. تاریخ به ما می‌آموزد که در مواجهه با حوادث مختلف، چگونه تحلیل و سپس اقدام کنیم. تاریخ، "عبرت" است. از ذخیره تاریخ و حوادث گذشته، نباید غفلت کنیم که خسارت‌های بزرگی به بار خواهد آورد. باید جلوی تکرار وقایع تلخ تاریخی را بگیریم. وقتی در تاریخ می‌خوانیم که در روز عاشورا عده‌ای امام حسین را عملاً یاری نمی‌کردند؛ ولی برای پیروزی او فقط دست به دعا برداشته بودند، تا این‌که امامشان زیر سُم اسبان دشمن لگدکوب شد! باید الان طبق این تجربه تاریخی، گوش‌به‌فرمان ولی‌امر جامعه باشیم و او را عملاً یاری کنیم تا بار دیگر امام جامعه به مسلخ نرود. پس به مطالعه تاریخ همت گماریم و لحظه‌ای از آن غفلت نکنیم.
[4]. سلیمان صرد خزاعی، یکی از خواصی است که الگویی برای تشخیص غلط و اقدام نابهنگامِ شد. دراین‌خصوص، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «وقتی امام حسین (علیه‌السّلام) کشته شد، وقتی فرزند پیغمبر از دست رفت، وقتی فاجعه اتّفاق افتاد، وقتی حرکت تاریخ به سمت سراشیبی آغاز شد، دیگر چه فایده؟! ببینید از هر طرف حرکت می‌کنیم، به خواص می‌رسیم. تصمیم‌گیری خواص در وقت لازم، تشخیص خواص در وقت لازم، گذشت خواص از دنیا در لحظه لازم، اقدام خواص برای خدا در لحظه لازم. این‌هاست که تاریخ، ارزش‌ها را نجات می‌دهد و حفظ می‌کند! در لحظه لازم، باید حرکت لازم را انجام داد. اگر تأمّل کردید و وقت گذشت، دیگر فایده ندارد.» (بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، ۲۰ خرداد ۷۵) پس با اقدام غلط خواص است که حسین‌ها به مسلخ می‌روند و اقدام توّابین جوابگو و جبران‌کننده مافات نیست!
[5].در صدر اسلام، عامه مردم نگاهشان به صحابی بود و بیعت آن‌ها را حجّت و حق می‌دانستند! درصورتی‌که بعضی از صحابی، تطمیع یا تهدید یا همدست شدند و در نتیجه عده کثیری را به دنبال خود، به راه باطل کشیدند و حق امام زمان خود را غصب کردند. اما تاریخ به ما می‌گوید، فقط باید گوش‌به‌زنگ ولایت باشیم، نه خواصی که با سکوت یا عملشان در حال هزینه

سازی هستند! شیخ فضل‌الله نوری با صدور "رای یک روحانی" به نام شیخ ابراهیم زنجانی که در محضر علمای مشهوری درس‌خوانده بود، بر بالای دار رفت! تاریخ به ما هشدار می‌دهد که نگاهمان به القاب و سِمَت‌های اشخاص نباشد؛ بلکه باید به حق و ولایت نگاه کنیم، تا در زمره سقوط‌کنندگان نباشیم. «می‌خواهیم از راه شناختن تاریخ خود، گذشته‌ی خود و برجستگان تاریخ را درست بشناسیم. امروزمان را درست بفهمیم تا فردامان را تشخیص بدهیم. گذشته برای ما یک وسیله و آینه‌ای است. مایه‌ی عبرتی است تا راه آینده‌مان را هموار کنیم.» (بیانات در دیدار مردم لار، ۱۹ اردیبهشت ۸۷)
[6]. در حال حاضر نیز مانند توّابین، کم نداریم! همان خواصی که ماه‌هاست در برابر هجمه همه‌جانبه دشمنان انقلاب و نظام، سکوت کرده‌اند، تصمیم نگرفته‌اند و هنوز به این تشخیص درست نرسیده‌اند که باید از اسلام و انقلاب، در زمان مناسب دفاع کنند! تکلیف ما نیز با این جماعت مشخص است. ما باید عمّار زمان خود باشیم و با عبور از خواص بی‌بصیرت، دل به دریای دفاع از ولایت بزنیم و در اسارت تردیدها و تشخیص‌های غلطِ خواصِ بی‌بصیرت نمانیم. «تاریخ» به ما می‌آموزد که در هر زمانی چه اقداماتی انجام دهیم تا یا کربلایی اتفاق نیفتد و یا اگر کربلایی دیگر بر پا شد، ما در زمره توّابین قرار نگیریم و باید این را آویزه ی گوش‌مان کنیم که «تاریخ تکرار می‌شود» و مطالعه تاریخ بسیار ضروری، درس‌آموز، گره‌گشا و عبرت‌آموز است.
[7]. از نظر «تاریخ» خواصِ جامعه، گاه مانند دیوار لرزانی هستند که هیچگاه نباید به آنها بدون کمک ولایت، تکیه کرد. اینگونه خواص، عموماً در بزنگاه‌های حساسِ تاریخ، یا سکوت کرده‌اند، یا با جبهه باطل همراهی کرده‌اند! اگر حق اهل‌بیت علیهم السلام غصب شد، اگر سقیفه، جمل، صفین، کربلا و... ایجاد شد، اگر ائمه معصوم به شهادت رسیدند، اگر امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف، سال‌هاست که در غیبت به سر می‌برد، به‌خاطر اشتباه خواص است. ردّ پای خواص در تمام حوادث تاریخی که بر علیه حق اتفاق افتاده است، به‌وضوح دیده می‌شود. «تاریخ» به ما می‌گوید دل به "خواص جامعه" نبندید! فقط نگاهمان به ولایت باشد، تا از صراط حق منحرف نشویم. از تاریخ باید درس آموخت و تجربه کسب کرد. عدّه‌ای سعی می‌کنند، حوادث روزگار ما را حوادث استثنایی وانمود کنند که به‌هیچ‌وجه تجربه تاریخی جواب‌گو نیست. درصورتی‌که "روش‌های زندگی" عوض می‌شود؛ اما "پایه‌های اصلی زندگی بشر" و "جبهه‌بندی‌های اصلی بشر"، تغییری پیدا نمی‌کند.
[8]. همه‌ی علوم و معارف و تلاش امروزی بشر، فقط زمان حال است. میلیون‌ها برابرِ این تلاش‌ها، درگذشته انجام‌گرفته است که این‌ها یعنی «تاریخ». بنابراین، تاریخ چیز کم‌اهمیتی نیست. واقعاً نباید به‌عنوان یک چیز حاشیه‌ای به آن نگاه کرد. «اگر تاریخ، یک چیز اصلی نبود، قرآن با این عظمت، تاریخ را وارد خودش نمی‌کرد؛ بنابراین، تاریخ مهم است.» (بیانات در دیدار با اعضای صدای جمهوری اسلامی، ۸ بهمن ۷۰). قابل‌ذکر است که در منظومه فکری مقام معظم رهبری، نگاه دقیق و تحلیلی به تاریخ و رخدادهای آن، برای درک درستِ تحولات بشری و روشن‌شدن وضعیت موجود، از جایگاهی مهم و بنیادین برخوردار است. پس «تاریخِ همراه با تحلیل»، بسیار ارزشمند است. تاریخ به ما می‌گوید: اگر از درس‌هایش عبرت نگیریم، مایه عبرت آیندگان می‌شویم! باید در مطالعه تاریخ، دقت نظر داشته باشیم و تحولات پیش رویمان را به‌خوبی تحلیل کنیم تا بتوانیم از فتنه‌های آخرالزمانی به‌آسانی عبور کنیم.

نویسنده:
مرضیه عاصی [1]

نشانی
منبع:https://partosokhan.ir/content/%D8%B9%D8%A8%D8%B1%D8%AA%DA%A9%D8%AF%D9%87-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE?page=17

پیوندها
[1] https://partosokhan.ir/%D9%86%D9%88%DB%8C%D8%B3%D9%86%D8%AF%D9%87-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D9%85%D8%B1%D8%B6%DB%8C%D9%87-%D8%B9%D8%A7%D8%B5%DB%8C